

## □ اینک دنباله‌ی مقاله

همان‌گونه که قبلاً شرح دادم به نظر شاه ایران اولین گامی که دکتر صدر را از من جلو جلوتر قرار داد بسیج شدن پان‌ایرانیست‌ها و تظاهرات آن‌ها به سود شاه در اروپا در برابر کنفدراسیون و مخالفین نظام ایران از طرف دکترصدر بود. با اجرای این برنامه مهر پان‌ایرانیست‌ها و دکترصدر در دل شاه جای گرفت و در نهایت حزب پان‌ایرانیست که بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دچار رکود و جمود بود جان تازه‌ای گرفت و فعالیت‌های جدید خود را در مسیر خواسته‌ها و برنامه‌های نظام آغاز کرد.

دومین گامی که دکترصدر برداشت و خود را به شاه و نظام نزدیک‌تر کرد این بود که وی آرمان‌ها و هدف‌های بیست و چند ساله‌ی خود را زیر پا گذاشت و در مجلس بیست و دوم شورای ملی که جزو گروه ۵ نفری پان‌ایرانیست‌ها بود با خواست شاه و نظام به جدائی بحرین از دامان میهن رأی مثبت داد و ادعای واهی ناسیولیست بودن و ایران دوستی خود را ثابت نمود.

دکتر صدر که سال‌ها به مانند سایر پان‌ایرانیست‌ها در برابر ایران دوستان، جوانان و ملت ایران گلو پاره کرده بود (بحرین استان چهاردهم را به مام میهن باز گردانید، ... بحرین کمتر از قبرس و کشمیر نیست و ...) حاضر شد برای ایجاد تفرقه‌ی جدید در صف پان‌ایرانیست‌ها و همچنین گرفتن امتیازاتی از نظام که همان اجازه‌ی تأسیس حزب ایرانیان و بدست آوردن عنوان دبیرکلی بود خود را در پیشگاه ایران دوستان و آرمان‌خواهان سرافکننده و شرمسار نماید.

بخش سوم

## تاریخچه‌ی حزب ایرانیان

دکتر حسین تجدد

عضو هیات اجرایی دفتر سیاسی

و قائم مقام پیشین دبیر کل حزب ایرانیان

نماینده‌ی اسبق مجلس شورای ملی

**دبیرکل اسبق حزب ایرانیان به خاطر وعده‌هایی که به او داده بودند آرمان‌ها و هدف‌های بیست و چند ساله‌اش را زیر پا گذاشت و در مجلس بیست و دوم شورای ملی به جدایی بحرین از دامان میهن رأی مثبت داد ...**

## توضیح و پوزش: در بخش دوم این مقاله که در ماهنامه‌ی حافظ شماره‌ی ۶۳ انتشار

یافت، به سبب این‌که نگارنده در مسافرت بودم، نتوانستم مقاله را شخصاً غلط‌گیری کنم. پس از چاپ و انتشار، غلط‌های زیادی را در مقاله مشاهده کردم یک مورد غلط «فاحش» بود. یک مورد هم عبارات جابجا شده بودند و مطلب نامفهوم به نظر می‌رسید... و تعدادی غلط‌های دیگر. لازم است قبل از آغاز بخش سوم حداقل دو مورد فوق‌الذکر را به شرح زیر اصلاح نمایم: در صفحه‌ی ۵۴ ستون چپ سطر ۱۲ چاپ شده: «در تاریخ ۱۳۴۱/۱۲/۲۷ بیانیه‌ی علیه صدر از سوی کمیته‌ی عالی رهبری هم در این باره منتشر گردید» که این عبارت غلط است و درست آن به صورت زیر می‌باشد.

«در کنگره‌ی سوم حزب پان‌ایرانیست به سال ۱۳۴۱ لوائح پیشنهادی شاه مورد تأیید و تصویب قرار گرفت و در تاریخ ۱۳۴۱/۱۲/۲۷ از سوی کمیته‌ی عالی رهبری بیانیه‌ای هم در این باره منتشر گردید»

در همان صفحه‌ی ۵۴ ستون سمت راست سطر ۲ چاپ شده «فقط یک نفر که اهل قم بود ظاهراً به عنوان نماینده‌ی همان‌جا انتخاب گردید... بقیه‌ی جمله چاپ نشده و به صورت دیگری به هم ریخته است که صحیح آن به صورت زیر است:

«فقط یک نفر که اهل قم بود ظاهراً به عنوان نماینده‌ی همان‌جا انتخاب گردید ولی در برابر کاندیداهای دیگر قم خیلی ضعیف بود و اکثریتی نداشت به‌گونه‌ی که چند سال بعد که انتخابات قم مانند بسیاری نقاط دیگر استثنایی بین سه نفر آزاد بود از همان رقیب‌های قبلی شکست خورد و به مجلس دوره‌ی بیست و چهارم راه نیافت» باز هم در همین صفحه‌ی ۵۴ ستون سمت راست سطر ۴ نوشته شده «هیچ‌یک از چهار کاندیدای غیربومی چهار شهر دیگر که نمایندگان طبیعی مردم نبودند و از جهت آراء اکثریت نداشتند چند سال بعد که انتخابات آن‌جاها بین سه نفر آزاد بود انتخاب نشدند و شکست خوردند. در این عبارات هم جمله‌ی «جز یک نفر، قبل از جمله انتخاب نشدند» افتاده است.

## مقدمات تجزیه‌ی بحرین

مدت‌ها قبل از این‌که وزارت امور خارجه گزارش مربوط به بحرین را به مجلس بیست و دوم شورای ملی بدهد بین شاه و نظام و انگلیسی‌ها مذاکراتی در جریان بود که کار بحرین را یکسره کنند و آن را از دامان میهن جدا نمایند و بعضی از روزنامه‌ها مانند «آیندگان» به مسئولیت داریوش همایون و روزنامه اطلاعات به مسوولیت عباس مسعودی زمینه‌ساز جدائی بحرین در ایران بودند و در این باره توجیحات غلط و نادرستی می‌کردند مثلاً به غلط می‌نوشتند ذخائر نفت بحرین تمام شده است و پیش از یک‌صد و پنجاه سال این سرزمین باعث اختلاف و تنش می‌باشد و از این قبیل حرف‌ها!! تا این‌که روز چهارم دی ماه ۱۳۴۷ «چهارم ژانویه ۱۹۶۹» محمدرضا شاه به هنگام سفر رسمی به کشور هند در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی شرکت کرد و در برابر سؤال یکی از خبرنگاران درباره‌ی سرنوشت بحرین اظهار داشت:

«ایران پیوسته به این سیاست خود دل‌بستگی داشته که هرگز برای بدست آوردن اراضی و امتیازات ارضی علی‌رغم تمایلات مردم آن سرزمین به زور متوسل نشود. من می‌خواهم بگویم اگر مردم بحرین مایل نباشند به کشور ما ملحق شوند ما هرگز به زور متوسل نخواهیم شد زیرا این مخالف اصول ماست که برای گرفتن این سرزمین به زور متوسل شویم. گرفتن و حفظ کرن سرزمینی که با شما ضدیت داشته باشد چه فایده‌ای خواهد داشت قبل از هر چیز این عمل اشغال محسوب می‌شود. در هر اشغالی شما باید مراقب سلامت و امنیت نیروهای اشغال‌گر خود باشید و در تمام اوقات سربازان شما باید در خیابان‌ها پاس بدهند و پیوسته در معرض خطر گلوله، نارنجک و این‌گونه

مخاطرات باشند. سیاست و فلسفه‌ی ما این است که با اشغال و گرفتن سرزمین‌های دیگر از طریق زور مخالف باشیم...»

هر صاحب‌نظر سیاسی و هر سیاست‌مدار حرفه‌ای که این مصاحبه را بخواند بی‌درنگ متوجه می‌شود که این مصاحبه آغازگر جدائی بحرین است.

چندی بعد به دنبال این مصاحبه در وزارت امور خارجه‌ی ایران کمیسیون محرمانه‌ای با شرکت نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه تشکیل شد که مقدمات کار

قوت گرفت ولی تحقق انجام این امر مستمم می‌بایست از طریق مجلس شورای ملی باشد. همان‌گونه که قبلاً گفتیم زمانی بعضی از روزنامه‌های مزدور، مامور بودند با بی‌اهمیت جلوه‌دادن سرزمین بحرین حساسیت افکار عمومی را درباره‌ی آن کاهش دهند ولی در آستانه‌ی انجام مسئله‌ی بحرین روزنامه‌ها خاموش شدند و نمی‌توانستند درباره‌ی ابعاد این قضیه رسوا کننده خبری بنویسند. آغاز رسمی اجرای این توطئه تشکیل جلسه فوق‌العاده‌ی مجلس شورای ملی به



درخواست دولت در روز نهم فروردین که کشور حالت نیمه تعطیلی داشت انجام گرفت. دانشگاه‌ها و مدارس تعطیل بودند و سایر گروه‌ها در حال نیمه تعطیلی و مسافرت و استراحت بسر می‌بردند و روزنامه‌ها هم بعضی‌ها تعطیل بودند و تعدادی هم هنوز کار رسمی و جدی خود را آغاز نکرده بودند. در چنین موقعی و روزی اردشیر زاهدی وزیر خارجه‌ی وقت گزارش مربوط به بحرین را که بیانگر جدائی آن از میهن بود به مجلس داد که چون موضوع مقاله تاریخی‌چهره‌ی حزب ایرانیان است فعلاً از ذکر جزئیات آن خودداری می‌کنیم ولی

جدائی بحرین را فراهم نمایند این فعل و انفعالات در حالی صورت می‌گرفت که قبلاً در زمان دولت دکتر منوچهر اقبال هیأت وزیران با صدور تصویب نامه‌ی بحرین را به عنوان استان چهاردهم کشور معرفی و نامگذاری کرد و برای مردم بحرین هم دو کرسی نمایندگی سمبولیک «نمادین» در نظر گرفته شد ولی سرانجام همه‌ی این تصمیم‌ها و تمهیدها از اذهان دست‌انکاران و مسئولان سیاست خارجی کشور بیرون رفت و توطئه‌ی جدائی این سرزمین تاریخی و ایرانیان دل سوخته‌ی آن در بین آن‌ها

**برای بررسی حل مسئله‌ی بحرین**  
مذاکراتی با دولت انگلستان به عمل آمده و سرانجام آن دولت هم این راه عاقلانه و منطقی را پذیرفت!! که با دادن اختیار تام به «اوتانت» دبیر کل سازمان ملل متحد از وی خواسته شد که مساعی جمیله‌ی خود را برای تحقق امیال واقعی اهالی بحرین به هر نحوی که صلاح و مقتضی بداند مبذول نماید به شرط این که گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد مورد تصویب شورای امنیت قرار گیرد در این صورت برای دولت شاهنشاهی ایران هم قابل پذیرش خواهد بود.

به هر حال پس از طرح گزارش دولت به مجلس روز نهم فروردین ۱۳۴۹ دولت هویدا به دلیل نقض صریح اصول تمامیت ارضی و حاکمیت ملی از سوی گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست استیضاح شد سرانجام آخرین جلسه‌ی مجلس بیست و دوم در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۹ در مورد بحرین تشکیل گردید.

در این جلسه دولت به استیضاح کنندگان پاسخ گفت و پس از صحبت‌های موافقین و مخالفین رأی گیری با ورقه به عمل آمد و در نتیجه مجلس با ۱۹۹ رأی موافق و ۴ رأی مخالف به دولت و جدایی بحرین رأی مثبت داد، یعنی همه‌ی نمایندگان عضو فراکسیون‌های احزاب ایران نوین و مردم و یک نفر هم از گروه ۵ نفری پان ایرانیست‌ها فقط دکتر صدر به اقدام‌های دولت و قطعنامه‌ی شورای امنیت که منجر به جدایی بحرین گردید رأی اعتماد دادند بدین ترتیب آرا مخالف چهار نفر پان ایرانیست‌ها بودند.

نکته‌ی تأسف‌بار دیگری را که می‌یابد به استحضار خوانندگان گرامی برسانم این است که دکتر فضل‌الله صدر در جلسه‌ی پاسخ دولت به استیضاح به بهانه‌ی عدم

حضور در تهران و عزیمت به مشهد برای دیدار خواهرش شرکت نکرد ولی در رأی گیری به گزارش دولت که در واقع هم تأیید گزارش جدائی بحرین و هم رأی اعتماد به دولت هویدا بود رأی مثبت داد!! هنگامی که اطلاع یافتم دکتر صدر به جدائی بحرین رأی مثبت داده است در یک لحظه با حالتی تأسف‌بار و حیرت زده سرم صدا کرد و جلو چشمانم سیاهی رفت که چگونه فردی که پیش از بیست و چند سال از جدائی بحرین و بازگشت آن به دامن میهن با فریاد و خروش و شور و هیجان سخن می‌گفت: حاضر می‌شود با دست خود سند رسمی جدائی بحرین را به سود انگلیسی‌ها امضاء نماید و دست آرمان‌خواه خود را برای همیشه آلوده سازد هنگامی که این رفتار زشت و غیر قابل بخشش دکتر صدر را تلفنی با وی در میان گذاشتم با خون‌سردی و شادمانی از وعده‌هائی که به او داده بودند اظهار داشت خودت می‌دانی که این سرزمین باعث تنش و اختلاف بین ایران و انگلیس بوده و لازم بود به همین صورت تنش و اختلاف خاتمه یابد یعنی حرف‌های روزنامه‌ها و طرفداران دولت را می‌زد. من که تحمل شنیدن این حرف‌های ناروا و پشت کردن به ملت ایران را نداشتم به او گفتم بیست و چند سال با فریاد «بحرین سرزمین جدائی ناپذیر میهن ماست، آن را به مام میهن بازگردانید و...»

ایران دوستان و آزادگان و جوانان را فریب دادی و اکنون به خاطر منافع شخصی‌ات وارونه‌شدی و... سپس تلفن را قطع کردم.

هنگامی که دکتر صدر پشت تلفن با سفسطه‌بازی از دادن رأی مثبت خود به جدائی بحرین دفاع می‌کرد حرف‌های حاج میرزا آقاسی را به یاد آوردم. هنگامی که

شاهان و دیگر رجال بی‌کفایت قاجار در اثر بی‌لیاقتی و بی‌عرضگی ۱۷ ایالت قفقاز را که یکی از بزرگترین منابع نفت گیتی در زیر آن‌ها نهفته بود از دست دادند حاج میرزا آقاسی صدر اعظم ناصرالدین شاه گفت: چه بهتر که این سرزمین‌های بوگندو و چرب را به روس‌ها دادیم و خود را از شر آن‌ها راحت کردیم. این سرزمین‌های بدبو به چه درد می‌خورد!!

هم‌چنین از میرزا آقاخان نوری صدراعظم دیگر ناصرالدین شاه یاد کردم که وقتی فرخ‌خان امین‌الملک در جلسه «قرارداد ننگین پاریس» که موجب جدائی افغانستان از ایران گردید از میرزا آقاخان نوری کسب تکلیف کرد و نوشت: انگلیسی‌ها حرف‌های نه پذیرفتنی می‌زنند، آن‌ها می‌گویند باید به افغانستان و هرات استقلال بدهیم من چه کنم؟ تا چه اندازه اجازه دادم؟ میرزا آقاخان نوری اعتمادالدوله در پاسخ فرخ‌خان نوشت:

... چاره‌ای به جز قبول نداریم. ما نمی‌توانیم ۷-۸ ماه طول بدهیم، قوه نداریم، پول نداریم مردم ایران هرز هستند! امان است، امان است، بگذران!...»

## اخراج دکتر صدر

### از حزب پان ایرانیست

عصر همان روز که دکتر صدر به جدائی بحرین رأی مثبت داد از حزب پان ایرانیست اخراج گردید ولی در بعضی نوشته‌ها به غلط آمده است که وی از حزب پان ایرانیست استعفا داده است. در کتاب ۵۰ سال تاریخ معاصر ایران به قلم ن-پیروز صفحه‌ی ۲۰۴ به نقل از یادداشت‌های دکتر محمد ستاری استاد دانشگاه تهران و عضو حزب ایرانیان نوشته شده «... علت استعفای دکتر صدر از حزب پان ایرانیست این بود که نامبرده با ارائه‌ی استیضاح از سوی حزب پان ایرانیست در مجلس

شورای ملی مخالف بود و اعتقاد داشت که چون در پایان هر استیضاحی نمایندگان مجلس باید با رأی تکلیف رفت و یا بقای دولت را مشخص کنند روشن بود که دولت رأی اعتماد می‌گیرد و با این روش جدائی بحرین از ایران جنبه‌ی قانونی پیدا می‌کرد، لذا دکترصدر به پزشک‌پور رهبر فراکسیون حزب پان‌ایرانیست در مجلس شورای ملی پیشنهاد کرد درباره‌ی مسئله‌ی بحرین از دولت سوال شود که در مورد سوال نیازی به گرفتن رأی اعتماد برای دولت نیست... اولاً مسئله‌ی سوال به جای استیضاح ابتکار و فکر دکترصدر نبود بلکه این مسئله را سرتیپ‌زاده نماینده‌ی مجلس دوره‌ی بیست و دوم و کهنه‌کار سیاست به پان‌ایرانیست‌ها گفته بود به جای استیضاح سوال کنید که منجر به گرفتن رأی اعتماد و نهایتاً رأی به جدائی بحرین نباشد ولی همان‌گونه که قبلاً بیان کردم حقیقت مطلب این بود که از دکترصدر قول گرفته بودند و برای او پیام فرستاده بودند که به دولت و گزارش جدائی بحرین رأی مثبت بدهد که هم پاداش خود را بگیرد و هم این‌که برای چندمین بار در صف پان‌ایرانیست‌ها تشنه‌ی تفرقه به‌وجود آید طبیعت سوال و استیضاح هر دو ابرار مخالفت است. چگونه دکترصدر که خواستار سوال کردن به جای استیضاح بود در روز رأی‌گیری به جدائی بحرین رأی مثبت داد.

## چند نمونه از اخراجی‌های حزب پان‌ایرانیست و علت اخراج آن‌ها

۱- دکترمنصور نراقی به سبب تخطی از اصول انضباطی حزب به ویژه به سبب تخطی از مفاد بیان‌نامه‌ی پانزدهم آبان ماه ۱۳۴۳ حزب پان‌ایرانیست که بدون مجوز حزبی به شورای مشروطیت در آلمان پیوسته بود از حزب اخراج گردید.

۲- دکترحسن کیان‌زاد به علت انحرافات و تخلفات مستمر از اصول استراتژیکی و اصول انضباط تشکیلاتی و... از حزب اخراج گردید.

۳- بکتاش خمسه‌پور عضو آزمایشی حزب که بدون مجوز حزبی به انتشار چند شماره‌ی نشریه با پسوند پان‌ایرانیسم مبادرت نموده بود از حزب اخراج گردید.

۴- دکترفضل‌الله قائم‌مقام دوم و مسئول تشکیلات خارج از کشور و عضو فراکسیون پارلمانی پان‌ایرانیست‌ها در دوره‌ی بیست و دوم مجلس شورای ملی، بعد از چند سال فعالیت مستمر در حزب در

خود دکتر صدر بوده و او از تحولات زندگی دکترصدر و سوابق مبارزاتی‌اش هیچ‌گونه آگاهی نداشته است اینک اسامی موافقین و مخالفین نمایندگان دوره‌ی بیست و دوم مجلس شورای ملی را درباره‌ی جدائی بحرین که از صورت مذاکرات مجلس شورای ملی و کتاب حزب پان‌ایرانیست استخراج شده است به استحضار خوانندگان گرامی می‌رسانیم:

اسامی موافقان: مهندس کیا، دکتر عدل، مهندس سهم‌الدینی، خواجه نوری، دکتر عظیمی، صادق سمیعی، کجوری، دکتر خیراندیش، فخر طباطبایی، اسدالله



نشسته از چپ: مجید مهران، دکتر محمدرضا جلالی نائینی، دکتر انور خامه‌ای، دکتر احسان نراقی  
دکتر هرمیداس باوند، پروفیسور سید حسن امین، دکتر حسین تجدد (نویسنده‌ی مقاله)، دکتر علیقلی بختیاری  
ایستاده از چپ: فضل‌الله کاسمی، شناخته نشد، کاظم اسکویی، هوشنگ شریف، شناخته نشد، رضا فاضلی

سلیمانی، مروتی، دکتر زعفرانلو، امیر احمدی، قاضی‌زاده، مهندس حسن صائبی، دکتر یزدان‌پناه، دکتر متین، دکتر رشتی، رضوی، دکتر سیف‌الله وحیدنیا، یوسفی، خانم سعیدی، امام‌دروخ، موسی صالحی، دکتر درودی، کریم بخش، سعیدی، پوربابایی، مهرزاد، مهندس عطایی، خانم زاهدی، ریاضی، دکتر ستوده، دکتر امین غنی، مهندس پرورشانی، ابوزر، کورس، محمد اسدی، مهندس اردلان، مهندس اربابی، دکتر مهدوی، مدرسی، مرتضوی، روحانی، تیمسارهمايونی، دکتر معظمی، نادر ادیب سمیعی، مهاجرانی، دکتر پرتو

سال ۱۳۴۹ به علت عدم رعایت اصول استراتژیکی حزب مبنی بر امضای جدائی بحرین و دلائل دیگر از حزب اخراج گردید. بنابراین همان‌گونه که قبلاً گفتم اظهارات دکترمحمد ستاری عضو سابق حزب ایرانیان مبنی بر استعفای دکترصدر از حزب ایرانیان برخلاف حقیقت بوده و او از دکترصدر جانب‌داری کرده است، لازم به یادآوری است که دکترصدر و نگارنده و همه‌ی دوستان قدیم دکترستاری را قبل از پیوستن به حزب ایرانیان در سال ۱۳۴۹ نمی‌شناختیم و به‌طور یقین آن‌چه را که دکترستاری در خاطراتش نوشته گفته‌های



دکتر کاغذی، دکتر کاغذی  
دکتر منوچهر سعید وزیر

عبدالحسین طباطبایی، دکتر امامی خوئی، تیمسار حکیمیان، فیاض، فاضلی، پرویزی، دکتر کیان، ضیاء احمدی، دکتر مهذب، دکتر صاحب‌قلم، مرندي، پاینده، رضازاده، اهری، مهندس پرویز بهبودی، حی، دکتر میرعلاء، بهنیا، دکتر اعتمادی، شاخویی، مؤید امینی، دکتر صدر، دکتر سعید، مهندس زنجانی، محمد دیهیم، عجم، مهندس جلالی، نوری، ارستجانی، صدری کیوان، دکتر رفعت، مانی، مهندس معینی، زرگرزاده، سرتیپ‌پور، خانلر، قراچورلو، صائب، کمالوند، دکتر محقق، شیخ‌الاسلامی، اصولی، دانشمند، اخلاقی، خسروی، حکمت، کلانتر، هرمزی، دکتر صفایی، دکتر مهندس ناصر بهبودی، ماهیار، ایلیخانی‌پور، ریگی، فرهادپور، تیمسار وحدانیان، شیخ‌بهایی، دکتر برومند، دکتر قهرمان، پروفیسور مخبر فرهمند، مهندس یارمحمدی، دکتر رهنوردی، مهندس ریاحی، حیدر صائبی، دکتر بیت‌منصور، دکتر شریعت، دکتر رفیعی، عباس میرزایی، فضل‌الله کاسمی، مصطفوی نائینی، مجید موسوی، محسنی مهر، مهندس اسدی، سمیع، تیمسار نکوزاد، مهندس برومند، جوادی، دکتر رضوانی، مهندس فیروز عدل، دکتر بهبهانی، ملک‌زاده آملی، دکتر موثقی، مسعودی، معزی، دکتر صالحی، فولادوند، امامی رضوی، مهندس بریمانی، دکتر بقایی یزدی، فضائی، فهیمی، دکتر فریود، مجددان‌شاء، حق‌شناس، خانم جهانبانی، مهندس اخوان، دکتر ضیائی، غلام نیاکان، جاماسبی، بوشهری، بختیاری‌پور، پور ساطع، مبارکی، ملک‌افضلی، آموزگار، دکتر حکیم شوشتری، دکتر نجیمی، موقر، دکتر

عدل طباطبایی، جوانشیر، مافی، ساگینیان، دکتر خسرو دادفر، بدر، صالحیان، پردلی، مریدی، توسلی، جهانشاهی، صادقی، رامبد، پدرامی، فروتن، خانم تربیت، دکتر اسدی، مهندس زر‌آور، دکتر حبیب‌الهی، شاهنده، پزشکی، دکتر مصطفی الموتی، محمدرولی قراچورلو، مهندس ارفع، خانم ابتهاج سمیعی، مهندس قادرپناه، مهندس معینی، زند روستا، اولیاء، شهرستانی، شکیبا، دکتر ملکی.  
همان‌گونه که ملاحظه شد دکتر فضل‌الله صدر، یکی از اعضای فراکسیون پارلمانی پان‌ایرانست‌ها، نیز در بین موافقان انتزاع بحرین از ایران بود که نام وی در ردیف ۷۶ ملاحظه می‌شود.

اسامی مخالفان: دکتر عاملی تهرانی، دکتر فریور، دکتر هوشنگ طالع، محسن پزشکی‌پور که همه از اعضای واکسیون پارلمانی پان‌ایرانست‌ها بودند. ■

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- مشاهدات عینی، محاوره‌ها، مباحثه‌ها و رایزنی‌های نگارنده به عنوان یکی از بنیان‌گذاران و رهبران حزب ایرانیان.
- ۲- حقایق درباره‌ی ماجرای بحرین، دکتر هوشنگ طالع، شهریور ماه ۱۳۸۲.
- ۳- پنجاه سال تاریخ معاصر، نوشته‌ی ن- پیروز ۱۳۸۰.
- ۴- سیاست‌گران دوره‌ی قاجار، احمد خان ملک ساسانی، ۱۳۷۹.
- ۵- پان‌ایرانستیم - حزب پان‌ایرانست، علی‌اکبر رزمجو، ۱۳۷۸.

## شعری چاپ نشده و ارتجالی در توسل به امام زمان

شعر از: زنده‌نام دکتر نصرت‌الله کاسمی  
توضیح به نثر: مهندس منوچهر سالور  
فرستنده‌ی اثر: فضل‌الله کاسمی

جز سوی تو به سوی کسی نیست راه ما  
بر فرقدان ز فخر بساید کلاه ما  
بیهوده نیست نیمه شبان اشک و آه ما  
بهبود می‌پذیرد حال تباه ما  
شادم که غیر عشق تو نبود گناه ما  
صبح سپید از پی شام سیاه ما  
از فر شوکت تو بود قدر و جاه ما  
بر من مگیر، و در گذر از اشتباه ما  
یارب مباد جز به در او پناه ما

یا صاحب‌الزمان به تو باشد پناه ما  
گر سایه‌ی تو بر سر ما افتد ز مهر  
تا افکنی به ما نظری از طریق لطف  
از یک نگاه و لطف تو کافتد به سوی ما  
آن‌جا که عشق را به حساب گنه برند  
گر برتویی ز مهر تو تابد به ما، دَمَد  
از یمن دولت تو بود عز و شأن ما  
گاهی اگر به سوی دگر کرده‌ام نگه  
روزی که هر کسی به دری می‌برد پناه

\* به لحاظ نذری که شده بود، از استاد و شاعر و نویسنده عالیقدر، جناب آقای دکتر نصرت‌الله کاسمی که از ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت هستند، تقاضا شد که به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ولادت باسعادت ولی خدا، زاده‌ی پاک ائمه‌ی هدی حضرت حجة ابن الحسن العسکری علیه‌السلام اشعاری در مدح آن حضرت تهیه نمایند.  
مفتخرم که اشعار مذکور را که ایشان ارتجالاً، سروده‌اند، در این عید سعید به عنوان تبرک و تیمن هدیه نمایم.

ارادتمند - مهندس منوچهر سالور - شعبان المکرم ۱۴۱۱ برابر ۱۳۶۹/۱۲/۱۱ (امضا)